



اعتیاد شاید در کمین هر یک از ما باشد

مطالعه صفحات ورزشی در حالت خماری!

■ **نادا ی اسماعیلی**

چندی پیش در کلاسمان از اتفاقات خوش و ناخوشی که برای هر کس در طول زندگی اش ممکن است روی دهد، صحبت شد. از اتفاقاتی که ممکن است عاملش خود فرد، دیگران یا پیشامدها باشند. اتفاقات کاری نیک، حس شیرین گردش‌های خانوادگی، حس رضایتی که زمان کمک به نیازمندان از خود داریم، حس فرزنددار شدن و... و اتفاقات ناراحت‌کننده مثل احساس کلافگی و شرم پس از کاری اشتباه، غم از دست دادن عزیزان، طلاق و آشنابه بزرگ و نابودکننده‌ای همچون اعتیاد. ■■■

بعد از یک روز طولانی پر کار از دانشگاه به سمت خانه حرکت کردم. سوار تاکسی شدم و منتظر آمدن مسافران دیگر نشسته بودم. در فکر فرو رفته و به صحبت‌ها و نظرات استاد دانشجویان در مورد موضوعی که سر کلاس مطرح شد، فکر می‌کردم. سرم را چرخاندم و به پارک کوچکی که کنار خط تاکسی بود، نگاهی انداختم. صحنه‌ای نظرم را به خود جلب کرد و باعث شد نگاه دقیق‌تری به آن بیندارم. دیدم فردی روی چمنزار نشسته و همانطور که روزنامه‌ای را در دست دارد و مطالعه می‌کند، گاه‌گداری

سرم هم گیج می‌رود!

به نظرم انگار در حال چرت زدن روزنامه می‌خواند. برآیم جالب شد و از خود پرسیدم: او مگر چه موضوعی را می‌خواند که آنقدر برایش حائز اهمیت است. ام‌م در شرایطی که حتی با خستگی زیادی هم که دارد، دست از آن نمی‌کشد. پیاده شدم و نزدیک‌تر رفتم. دیدم صفحه ورزشی روزنامه است و جالب اینکه روزنامه را بر عکس گرفته و نمی‌خواند. فقط چند ثانیه به یک بار چشمانش را نیمه‌باز کرده و نگاهی به آن می‌اندازد. با دیدن این صحنه لحظه‌ای خندیدم و بعد کنجکاو شدم تا ببینم موضوع از چه قرار است. رفتم جلوتر و کنارش نشستم. با دیدن صورت او و وضعیتی که داشت متوجه شدم او یک معتاد است. حس عجیبی به من دست داد و دلم می‌خواست گریه کنم. به فکر فرو رفتم. یاد صحبت‌های امروز در کلاس درس افتادم و ترغیب شدم گفت‌وگویی کوتاهی با او داشته باشم.

- سلام، می‌تونم کمی با شما صحبت کنم؟

بعد از دقیقه‌ای سرش را چرخاند و نگاهی به من انداخت و آرام سری تکان داد.

- اینجا چه می‌کنید؟

- مگه نمی‌بینی در پارک نشسته‌ام و روزنامه می‌خوانم.

- ولی آن را برعکس گرفته‌ای!

باز نگاهی به من انداخت سپس لیخندی بی‌روح زد و روزنامه را زمین گذاشت و سرش را پایین انداخت. چشمانش را بست و آهی سوزناک کشید.

- اتفاقات روزگار مرا به این دام انداختند.

- دوست دارم آنها را بشنوم.

- به چه دردت می‌خورد؟

- شاید بتوانم تجربه شما را با برادر و فرزند و عزیزانم به اشتراک بگذارم.

او ماجرای زندگی و معتاد شدنش را اینگونه روایت کرد: در خانواده‌ای مرفه به دنیا آمدم که متأسفانه فقط به فکر تأمین مایحتاج مادی زندگی من بودند و هیچ تلاشی برای مستقل بار آمدن من نکردند. تک‌فرزند خانواده بودم و اکنون صاحب دو فرزند هستم. ۳۶ ساله‌ام. دوستان زیادی هم داشتم. عاشق فوتبالت و ورزشم و همیشه از نوجوانی صفحه ورزش را دنبال می‌کنم. روزگرم خوش بود و زندگی بی‌دغدغه‌ای را در

آسیب‌های اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی ۸۸۴۹۸۷۱

تصویر زننده زن سیگاری

دود هیچ نسبتی با ظرافت زنانه و لطافت مادرانه ندارد



کادرش

مهدیه عظیم‌لو

سد گال‌گشته برای زنان به‌خصوص دختران جوان بسیار

تغییر کرده است، به گونه‌ای که در گذشته محلی خلوت غیر از مکان‌های عمومی و دور از چشم دیگران را برای انجام این کار انتخاب می‌کردند، اما امروزه این کار در مکان‌های عمومی، بدون اینکه کمترین حس شرم و جلالتی در کارشان باشد، صورت می‌گیرد. به‌راستی جای چه چیزی در رفتار اجتماعی خانم‌هایی که سیگار می‌کشند، عوض شده است؟ شاید زنان و دختران جوان دیگر به درستی یا نادرستی عملی که مرتکب می‌شوند واقف نیستند یا به آن اهمیتی نمی‌دهند یا اینکه در جامعه کشیدن سیگار به

سال گذشته برای زنان به‌خصوص دختران جوان بسیار تغییر کرده است، به گونه‌ای که در گذشته محلی خلوت غیر از مکان‌های عمومی و دور از چشم دیگران را برای انجام این کار انتخاب می‌کردند، اما امروزه این کار در مکان‌های عمومی، بدون اینکه کمترین حس شرم و جلالتی در کارشان باشد، صورت می‌گیرد. به‌راستی جای چه چیزی در رفتار اجتماعی خانم‌هایی که سیگار می‌کشند، عوض شده است؟ شاید زنان و دختران جوان دیگر به درستی یا نادرستی عملی که مرتکب می‌شوند واقف نیستند یا به آن اهمیتی نمی‌دهند یا اینکه در جامعه کشیدن سیگار به

دست خانم‌ها آنقدر عادی شده که کسی تعجب نمی‌کند. ■ **استقلالی که به ناهنجاری منجر شد**
واقعیت این است که گسترش فعالیت زنان در عرصه‌های علمی و آموزشی، مراکز دولتی، نهادهای مدنی و مشاغل آزاد باعث پررنگ شدن حضورشان در اجتماع شده است. این در حالی است که کشور ما وجود این زمینه را به عنوان یک امتیاز برای کسب استقلال مالی و پایگاه اجتماعی برای زنان فراهم کرده است، ولی متأسفانه این حضور آزادانه موجب سوءاستفاده‌های دیگری از سوی برخی از زنان شده که اعتیاد به دود از جمله آنهاست.

از سویی مصرف سیگار در بین زنان و دختران جوان تبدیل به نوعی زُست روشنفکری، مد و کلاس اجتماعی شده است. در واقع برخی خانم‌ها یا قرار دادن یک نخ سیگار در بین انگشتان دست خود، نوعی منزلت اجتماعی کاذب در خوداحساس می‌کنند. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی معتقدند هر گاه رفتاری در پهنه جامعه به مد تبدیل شود، اعضای جامعه به‌خصوص اعضای عمل‌کننده به رفتار مد نظر به هیچ وجه به مضر بودن آن توجهی ندارند.

در شکل‌گیری و بروز این عمل، عواملی همچون تبلیغات شرکت‌های دخانی یا فایلم‌هایی که به ترویج مصرف سیگار توسط خانم‌ها می‌پردازند و از زنان به عنوان ابزاری برای معرفی برند و محصول خود استفاده می‌کنند، باعث تشدید چنین رفتارهایی می‌شود. بدون تردید این موضوع کم‌رنگ شدن اقدامات فرهنگی پیشگیرانه در خصوص معضلات و آسیب‌های اجتماعی به‌خصوص در قشر زنان و دختران جوان را که ضعیف‌تر و تأثیرپذیرتر از بقیه اقشار جامعه هستند در پی خواهد داشت.

اگر با این دسته از خانم‌ها همکاری‌م‌شوید و از آنها سؤال



شاید کمتر دختر جوان و کم‌سن و سالی باشد که حتی برای تفریح سیگار می‌کشد و از این موضوع اطلاع نداشته باشد که

خود را در آینده نه چندان دور از نعمت مادر شدن محروم می‌کند. بنابراین مطالعات انجام شده توسط پزشکان متخصص زنان در رابطه با مصرف سیگار بین دختران جوان این نتیجه حاصل شده که تقریباً ۷۲ درصد از خانم‌هایی که سیگار مصرف می‌کنند نسبت به خانم‌هایی که مصرف نمی‌کنند بیشتر مبتلا به ناباروری می‌شوند

در حال نوشیدن شکلات داغ در همان کافه همیشه‌ی بودم. دختری که شاید سنش به زور به ۲۰ می‌رسید، وارد کافه شد. نگاهی به اطرافش انداخت. انگار به دنبال چیزی بود. در همین حین سالن‌دار کافه مقابلش ظاهر شد و با سلام و خوشامدگویی او از استقبال کرد. دخترک هم در مقابل لیخندی زد و از او تشکر کرد. سالن‌دار کافه از او پرسید: «اگه سیگار می‌کشید، باید حرفش را تمام کند، باعجله گفت: «بله، بله، من همینجا از این قسمت کافه استفاده کنید.» دختر اجازه نداد او حرفش را تمام کند، باعجله گفت: «بله، بله، من همینجا بود و من در جای همیشه‌ی ام که از بوی سیگار دور بود، نشسته بودم. فاصله من با جایی که دخترک برای نشستن انتخاب کرد، کم بود. روی صندلی نشست و کیفش را روی میز گذاشت. تلفن همراه، پاکت سیگار و یک فندک آلپالویی رنگ از کیفش بیرون آورد و روی میز گذاشت. من با دیدن پاکت سیگار حس عجیبی پیدا کردم و سؤالاتی بزرگ ذهنم را به خود مشغول کرد که چرا؟ کشیدن سیگار؟ مگر چند سال دارد؟ و چقدر بی‌پروا و بدون هیچ خجالتی این کار را انجام می‌دهد. تصویر زننده زنان سیگاری را هر روز در کوچه و خیابان می‌بینیم. در حالی که سیاهی دود هیچ نسبتی با ظرافت زنانه و لطافت مادرانه ندارد. ■■■

■ **رفتار زننده‌ای که عادی شده است!**

یکی از رفتارهای آسیب‌زای رو به رشد در جامعه ما گرایش زنان به‌خصوص دختران جوان به کشیدن سیگار و قلیان است؛ معضلی که کافی‌شاپ‌ها و سرفه‌خانه‌های سنتی به آن دامن زده‌اند و این کارشان جذب و گرایش خانم‌ها به دود را تشدید کرده است. انجام این عمل در قیاس با چند

نگاه

مبارزه با مواد مخدر جدیدتی همه‌جانبه می‌طلبد

اراده آهنین در مقابل دشمن شیشه‌ای!



همانند بیماران دارای اختلال شخصیت «اسکیزوفرن» یا «شیزوفرن»، روان‌گسیخته‌ها یا روان‌گسسته شده و با واقعیت قطع ارتباط می‌کنند.

این بیماران معتاد به واسطه توهم ناشی از مصرف شیشه نمی‌توانند درک درستی از واقعیت داشته باشند. پس هم به خود آسیب می‌زنند که به‌اصطلاح دچار «مازوخیم» شده و هم به دیگران آسیب زده و آزار می‌رسانند در نهایت به «سادیسیم» و «وندالیسم» دچار می‌شوند. یک بیمار سادیسمی از آزار و اذیت دیگران مشعوف شده و احساس لذت می‌کند و دقیقاً مصرف شیشه به گفته مصرف‌کنندگان این ماده صنعتی یک احساس شغف و لذت به‌واسطه عدم شناخت و درک واقعیت و یک نوع گسست روانی به فرد

مبارزه با تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر دریافت می‌کنند و از سویی فقدان قوانین محکم موجب گستاخی سوداگران مواد مخدر شده است. در حالی که مقابله و مبارزه با عوامل توزیع مواد مخدر در جامعه جدیدتی همه‌جانبه، اراده و برخوردی آهنین می‌طلبد نه شیشه‌ای و شکننده!

معتاد شرافت، غیرت، شأنیت و منزلت خود را فدای تأمین مواد می‌کند. چون مغز وی نسبت به رسیدن میزان مشخصی از مواد افیونی به بدنش، شرطی و او به مصرف سوء مواد مخدر وابسته شده است، خصوصاً در مورد مواد صنعتی جدید همچون کریستال یا شیشه. یکی از عناصر تشکیل دهنده کریستال، «مفتامین» است که به‌شدت توهم‌زاست. شخصی که شیشه مصرف می‌کند،